



۱۰

هیچ بچه‌ای نباید نگران باشد



۱۲

شهادت «میرزا» خیلی توطئه‌ها را برملا کرد



۱۱

چرا تقلید سینمایی در ایران با چشم و گوش بسته انجام می‌شود؟ کپی برابر اصل نیست

فرهنگ

چهارشنبه ۱۳ آذر ۱۳۹۸ :: شماره ۵۵۴۱



چرا تقلید سینمایی در ایران با چشم و گوش بسته انجام می‌شود؟

پشت صحنه

ماجرای هفته

همه چیز درباره جایزه جلال



دوازدهمین دوره جایزه «جلال آل احمد» قرار است شنبه ۲۳ آذر با معرفی برگزیدگان در کتابخانه ملی به کار خود پایان دهد.

هر چند از قید عبارت «معرفی برگزیدگان و تقدیرشدگان احتمالی» می‌توان به این نتیجه رسید که جلال امسال قرار نیست در همه بخش‌ها برگزیده و شایسته قدردانی داشته باشد.

۴۶ سال

نگاهی به آمار و ارقام اعلام شده از سوی مهدی قزلی، مدیرعامل بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان و دبیر اجرایی جایزه «جلال» در نشست خبری این جایزه اعلام شده، دربردارنده نکات جالبی است. او در این نشست که روز گذشته برگزار شده، میانگین سنی جایزه نامزدهای این دوره از جایزه را ۴۶ سال اعلام کرد. همچنین گفت ۲۳ عنوان کتاب با ۲۶ نویسنده به عنوان نامزد معرفی شده‌اند و در شش دوره اخیر جایزه «جلال آل احمد» ۲۲ ناشر کتاب‌هایشان جایزه گرفته یا قدردانی شده‌اند.

۵ نفر

آن‌طور که قزلی گفته است، نشر چشمه تاکنون چهار بار کتاب‌هایش به عنوان برگزیده یا شایسته تقدیر معرفی شده است. نشر نی، مرکز، سوره مهر، نیماژ و هرمس هر کدام دو بار توانسته‌اند موفق به گرفتن جایزه شوند. در این دوره نیز نشر چشمه و سوره مهر بیشترین تعداد نامزدها را داشته‌اند و براساس اطلاعات خانه کتاب پنج نویسنده از میان نامزدها کتاب‌اولی محسوب می‌شوند. دو نامزد این دوره از جایزه هم قبلاً موفق به برگزیده شدن در جایزه جلال آل احمد شده‌اند.

۱۲۰۰ اثر

تعداد آثار ارسالی به دبیرخانه جایزه جلال کاهش داشته است. این را قزلی اعلام کرده و درباره اش توضیح داد: امسال حدود ۱۲۰۰ عنوان کتاب در چهار بخش به دبیرخانه ارسال شده که بعد از بررسی ابتدایی و کنار گذاشتن کتاب‌هایی که شرایط دبیرخانه‌ای را نداشتند، ۵۴۵ عنوان کتاب وارد دایره شد که نسبت به دوره گذشته افت داشتیم. در واقع می‌توان گفت کتاب‌های سال ۹۷ به لحاظ کمی کمتر از سال قبل بوده و بحران کاغذ در اینجا خود را نشان داده است.

به گفته او، ۲۳۵ کتاب در بخش رمان و داستان بلند، ۱۴۰ کتاب به عنوان مجموعه داستان، ۱۵۳ عنوان کتاب در بخش مستندنگاری و ۵۶ عنوان کتاب در بخش نقد ادبی بررسی شده‌اند.

استفاده از تصویر قله تاناراکا نیوزیلند به جای قله دماوند با آن طراحی ابتدایی وزشت در ستاد انتخابات وزارت کشور چه حقایقی را برای ما آشکار می‌کند؟

سواد عمومی و بصری تعطیل!



صابر محمدی

ادبیات و هنر

خب اشتباه است دیگر، آسمان که به زمین نیامده و آدمی هم که خب می‌داند جایزالخطاست؛ مثلاً همین خود ما، پیش آمده عکسی را به اشتباه انتخاب کرده و در صفحات روزنامه گنجانده‌ایم. همین چندی پیش بود که یکی از روزنامه‌های صبح تهران، تصویر منتقد سینما هوشنگ گلمکانی را به جای مهدی سبحانی منتشر کرد و این سهو و خطا ما را یاد روزنامه‌ای دیگر انداخت که چند سال پیش همین اشتباه را مرتکب شده بود. ولی ما چرا اینجاست که آن خبرنگاری که چنین خطایی کرده، بعید است دیگر هیچ‌وقت همان اشتباه را تکرار کند. از این روست که می‌گوییم وقتی برای دومین بار و به زعم برخی خبرنگاری‌ها برای چندمین بار در وزارت کشور قله دماوند را با قله تاناراکا نیوزیلند عوضی می‌گیرند، خطایی نیست که بشود با توسل به «آدمی جایالخطاست» از آن گذشت. خب دوستان در وزارتخانه، چند سال پیش هم همین قله نیوزیلندی را جای دماوند روی بنر انتخابات چاپ کرده و زده بودند روی در و دیوارشان. حالا هم همان خطا را تجدید کرده‌اند.

اما این اشتباه‌ها و مشخصاً این اشتباه چطور رخ می‌دهند؟ با انتشار عکس‌هایی از وزارت کشور در روز نخست ثبت نام نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان، یاد تصاویر اشتباه دیگری می‌افتیم؟ علاوه بر این که می‌خواهیم به این پرسش‌ها پاسخ بگوییم، باید این را هم بپرسیم که چرا در هیچ یک از نهادها و اداره‌ها ما با طراحی تر و تمیز و گرافیکی روزآمد مواجه نیستیم؟ آخر دوستان آن گل و بلبل و پرچم ایران و قله گیریم دماوند را نمی‌توانید با کمی سر و شکل بهتر کولاژ کنید؟

درست گوگل کن اخوی!

همین چندی پیش بود که نوشتیم اعتماد سهل انگارانه به داده‌های فضای مجازی باعث شده عده‌ای بدون تحقیق درباره دروس حذف‌شده از کتاب‌های درسی، و اسفا سر دهند در حالی که سربلندکردن از توی گوشی‌های مان و جست‌وجویی ساده بین کتاب‌های درسی نشان می‌داد بسیاری از آن موارد که در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شد بهره‌ای از حقیقت نبرده بودند. حالا علاوه بر این که باز هم باید به سلیقه بصری نهادها و اداره‌ها در امور گرافیکی‌شان بند کنیم، باید بگوییم باز در بر همان پاشنه اعتماد سهل انگارانه به داده‌های مجازی می‌چرخد و همین ماجرا علت اصلی اشتباه وزارت کشور در استفاده از نماد نیوزیلند به جای نماد ایران بوده است. این دو قله هر چند شباهت اندکی با هم دارند اما نوک دو قله به طور کامل تفاوت دارد و به راحتی قابل تشخیص است.

علت این غفلت، احتمالاً اعتماد به نتایج جست‌وجوی موتور گوگل، آن هم اعتماد به مشکوک‌ترین آنها بوده است. خبرنگار شبکه خبر این جست‌وجو را انجام داده تا پیدا کند دوستان وزارت کشور احتمالاً از چه مسیری در این چاه افتاده‌اند.

او هنگام جست‌وجوی کلمه دماوند، در میان تصاویری که در صفحه نخست نتایج به نمایش درآمده فقط به دو عکس از تاناراکا نیوزیلند رسیده که هر دوی آنها را یک سایت گردشگری منتشر کرده است. بنابراین جست‌وجوگر عکس برای طراحی پوستر وزارت کشور نیز اتفاقاً از میان ده‌ها عکس موجود، به سراغ همان یک عکس مشکوک رفته است، نکته اینجاست که اگر دوستان وزارت کشور برای دسترسی به قطع بزرگ و باکیفیت همان عکس، صفحه را باز می‌کرده و وارد سایت گردشگری می‌شدند، زیر عکس از کامنت‌هایی که مردم گذاشته‌اند درمی‌یافتند عکس مربوط به دماوند نیست بلکه قله تاناراکا نیوزیلند است.

ابتدا؛ شرح ماقوع



ستاد انتخابات وزارت کشور سه چهار روزی است از کسانی میزانی می‌کند که برای یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات میاندوره‌ای مجلس خبرگان رهبری به میدان فاطمی می‌آیند. این بار، خلاف دفعه‌های پیشین که سوژه‌های خبری را ثبت‌نام کنندگان عجیب و غریب برای رسانه‌ها می‌ساختند، خود دوستان در وزارت کشور دست به کار شده‌اند تا تنور نه‌چندان داغ انتخابات این دوره را مشتعل کنند. ماجرا از این قرار است که شما وارد ستاد می‌شوید و بعد به سمت ردیف میزهایی می‌روید که پشت‌شان دوستانی نشسته‌اند که از شما برای شرکت در انتخابات به عنوان نامزد ثبت نام می‌کنند. پشت سر این دوستان، بنرهایی افقی نصب شده است با ترکیبی زمخت از قله دماوند، چند پرچم ایران، مقداری گل و آبر و از این نشانه‌های الکی شاعرانه، البته شما اگر جزو کسانی باشید که از صبح دیروز به بعد به ستاد انتخابات رفته‌اید این تصویر را می‌بینید، پیش از آن هم البته همه مواردی را که عرض کردیم می‌دیدید با این تفاوت که به جای قله دماوند، دوست گرافیکست ما از قله تاناراکا در نیوزیلند در طراحی‌اش بهره برده بود.

یاد این سوتی‌ها هم افتادیم

❶ **دو سال پیش، همین ستاد:** ما به یاد می‌آوریم همین انتخابات اخیر ریاست جمهوری اخیر در سال ۹۶ هم دوستان در ستاد انتخابات وزارت کشور همین اشتباه را کرده بودند؛ همین قله تاناراکا را به جای قله دماوند چسبانده بودند تنگ گل و بلبل و پرچم ایران. حالا البته برخی رسانه‌ها به جای این که بنویسند این دومین بار است که چنین اشتباهی رخ می‌دهد، نوشته‌اند چندمین بار است. راست و درستش با خودشان.

❷ **سربازهای اسرائیلی در شیراز:** این بنرهای تبلیغاتی رسمی، یعنی آنها که ادارات و نهادهای رسمی طراحی و منتشرشان می‌کنند، خالی از سوتی نیستند اغلب. در این میان اما ما یاد یکی از پرسرصداترین اشتباه‌ها افتاده‌ایم؛ سال گذشته شهرداری شیراز بنری در سطح شهر نصب کرده بود که در آن به جای سه سرباز ایرانی، تصویر سه سرباز ارتش اسرائیل را به عنوان نماد مقاومت و شکوه در دفاع مقدس گنجانده بود! اصل تصویر، سه سرباز مرد و یک سرباز زن اسرائیلی را نشان می‌دهد و پایین حساب که گرافیکست سرباز زن را حذف کرده بود، مطمئن می‌شویم که می‌دانسته این سربازان ایرانی نیستند.



يك «ه» دو چشم كم دارد

شهر، شهر فرهنگ، از همه رنگه، راکه حالا نمی‌دانم، اما می‌دانم این روزنامه خودمان، همین جام‌جم که در حال خواندنش هستیید اصلاً شهر فرهنگی است برای خودش. فرهنگ! نه همین اول کاری همین کلمه مربوطه را تغییر می‌دهم. شهر، شهر فرهنگه. اصلاً از همان موقعی که گفتند شهر فرهنگ باورمان شد این غربی‌ها خیلی بیشتر از ما حالی شان است، اصلاً باید سوار ماشین زمان شویم و برگردیم عقب. همین واژه فرهنگ را کنار خیابان پیدا کرده و يك «ه» از نوع دو چشمش بگذاریم بین «را و «ن» و کار را یکسره کنیم. خلاصه روزنامه‌مان که شهر فرهنگ است هیچ. این چهار صفحه خاص فرهنگی که دیگر خود فرهنگ است، نیازی به گفتن ندارد و موضوعش به خوبی نشان می‌دهد اینجا چه خبر است.



خب حالا که زدیم این واژه فرهنگی مآپ فرهنگ را ادب کردیم و به فرهنگ بدلش کردیم. تازه رسیدیم به اصب مطلب. از صفحه ۱۰ شروع می‌کنیم که دبیر با فرهنگ گروه فرهنگ و هنر دیروز رفته يك نشست و چه کرده، سوآلی پرسیده که شده تیتراژش بسیاری از رسانه‌ها، اما محمداً صادق علیزاده است دیگر، در نشست خبری جایزه جلال آل احمد فقط سوآل را پرسیده و جواب را برای همه رسانه‌ها گرفته، اما بعد همین جواب را آورده روزنامه و تحلیل و چکش کاری اش کرده است. خلاصه که خدا از این دبیرهای خفن به همه گروه‌های فرهنگی رسانه‌ها عطا کند. گفتیم که بدانید بخیل نیستیم ما!



وزارت کشور از چند روز پیش ثبت نام نامزدهای انتخاباتی مجلس شورای اسلامی را شروع کرده است. در فضایی که نامزدها مشغول نام نویسی اند به جای دماوند جان خودمان تصویر قله تاناراکا نیوزیلند را گذاشته‌اند! صابر محمدی هم که سرش درد می‌کنه برای مچ گیری و سرک کشیدن در همه احوالات، در همین صفحه ۹ رفته سراغ این سوژه و بررسی اش کرده. البته نامبرده در این زمینه‌ها پرونده مفصلی دارد و همین چند هفته پیش فرزند دوستش با تکان انگشت در يك خط افقی او را به «لاتجسسوا» دعوت کرده است، اما خدا را شکر نامبرده گوشش بدهکار نیست و به همین دلیل هم شده يك روزنامه نگار درست و حسابی! و اما علی رستگار او هم مچ گیر بعدی گروه است که البته مچ‌گیری‌هایش را با طنازی هم ترکیب می‌کند. البته امروز این خبرها نیست و او خیلی جدی رفته سراغ کپی‌کارها در سینمای ایران و پایش را کرده توی کشش فرزاد مومتن، کارگردان کتاب‌های و پرداخته به آخرین ساخته او که در حال اکران است. بفرمایید صفحه ۱۱ و گزارش طناز جدی گروه‌مان را بخوانید.



صفحه ۱۲ هم مانند هر چهارشنبه‌به تاریخ اختصاص دارد. این هفته می‌توانید گفت‌وگو با دکتر فتح‌... کشاورز، محقق و مورخ را درباره میرزا کوچک‌خان جنگلی بخوانید. محمدرضا کائینی سعی کرده از زاویه‌ای متفاوت درباره میرزا و قیامش با کشاورز حرف بزند.